

آموزش در فنون و علوم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان ۱: ۱۸ تا ۲۱؛ مزمور ۱۹: ۱ تا ۶، ۹۶: ۹؛ پیدایش ۳: ۶؛ اول تیموتائوس ۶؛ امثال ۱؛ ایوب ۳۸.

آیه حفظی: «آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند و فلک، صنعت دست او را نشان می‌دهد» (مزمور ۱۹: ۱).

برای مثال، آیا تنها آیاتی از کتاب مقدس را دستچین می‌کنیم تا آنرا به جنبه خاصی از پزشکی مدرن یا تاریخ هنر مرتبط سازیم؟

با این کار می‌توانیم دروس عملی خودمان را با قدرت شگفت‌انگیز خداوند در خلق جهان پیچیده مان، مرتبط بدانیم. اما یک ترکیب ساده از کلام خدا در یک کتاب درسی تنها بخش کوچکی از حقیقت آموزش است، آموزشی که نجات بخش و رستگار کننده است.

برای اینکه چنین آموزشی واقعاً عملکرد داشته باشد و بکار گرفته شود، ما به کلام خدا در تعلیم هر رشته نیاز داریم، از علوم انسانی گرفته تا علم زیست‌شناسی مولکولی. بدون آن، بینش خود را نسبت به عظمت خداوند، اقتدار او به عنوان خالق که نگهدارنده و حافظ جهان است از دست می‌دهیم. برای مشاهده و فهم دیدگاه خداوند از چگونگی خلقت هدفمند و منظمش، باید از نزدیک چگونگی تعلیم برخی از رشته‌های درسی خاص را مورد بررسی قرار دهیم.

در این هفته به بررسی برخی اصول می‌پردازیم تا ببینیم که چگونه می‌توانیم علم و هنر را از دیدگاه و جهان بینی مسیحی تعلیم دهیم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۵ آذر - ۵ دسامبر آماده شوید.

فقط خداوند

شواهدی از خدای زنده در تمام آفرینش او وجود دارد. این اظهارات آنقدر تکرار شده که اغلب کلیشه ای شده است. وقتی مثلاً، عشق و علاقه خداوند در خلق این جهان که انسان دست به ویرانی و آسیب آن زده را در نظر می گیریم، ممکن است با دقت بیشتری به این موضوع بپردازیم که چگونه می توانیم علم و هنر را به بهترین شکل آن تعلیم دهیم. مثلاً دوران بارداری انسان را در نظر بگیرید. علم زیست شناسی به ما می گوید که زندگی جدید و هوشمند انسانی از یک تخمک بارور آغاز میشود و در طی ۹ ماه دوران حاملگی به تکامل می رسد. در تمام این چرخه تکامل، نشانه های وجود یک خالق مهربان وجود دارد. محبت خدا را می توان در محلی که جنین در آن در حال رشد است مشاهده کرد: درست در زیر ضربانهای مداوم قلب مادر. بنابراین با رشد جنین، مادر شاهد بزرگ تر شدن شکم خود است. مادر منتظر، همیشه از وجود فرزند خود آگاه است، همانطور که پدر آسمانی ما همیشه از وجود فرزندان خود آگاه است.

رومیان ۱: ۱۸ تا ۲۱؛ مزمور ۱۹: ۱ تا ۶؛ و نِجِیَا ۹: ۶ را بخوانید. این آیات در خصوص کار خداوند به عنوان خالق ما، چه می گویند؟

حتی پس از ۶۰۰۰ سال از ورود گناه و هزاران سال پس از سیل ویرانگر دوران نوح، شواهدی بسیار قوی از وجود خداوند وجود دارد، نه فقط به عنوان خالق ما، بلکه به خاطر قدرت، محبت، نیکویی و خیرخواهی این خدا به عنوان خالق ما. در واقع، او آنقدر مقتدر است که پولس در رومیان باب ۱: ۱۸ تا ۲۱ این گونه بیان می کند: «کسانی که این خدا را نفی می کنند، در روز قیامت «هیچ عذر و بهانه ای» ندارند بخاطر اینکه به اندازه کافی می توان از آنچه که او آفریده است آموخت. به عبارت دیگر، آنها نمی توانند خود را به جهالت زده و ادعای بی گناهی کنند.

به خصوص در روزگار و عصری که بسیاری از انسانها به جای آفریدگار به پرستش صُنْع پروردگار روی آورده اند، چقدر حیاتی است که آموزش مسیحی در زمینه علم و هنر همیشه از این فرضیه استفاده کند که خدا آفریدگار و نگهدارنده همه هستی است. و در آخر، هر ایدئولوژی و پیش فرض هایی که خدا را انکار و یا در نظر نمی گیرد، می تواند منجر به گمراهی و خطا شود. اما کل آموزش جهانی بر روی فرضیه الحاد بنا شده است؛ آموزش مسیحی نباید در دام این تله و یا اصول مبتنی بر این فرضیه بی خدایی بیفتد که خیلی زیرکانه عمل می کند. در هر صورت، انسان جایز الخطا است.

در مورد شگفتی و زیبایی غیر قابل باور این جهان بیندشید که همچنان پس از گناه ویرانگر، چشمگیر و فوق العاده است. چگونه می توانیم از آن امید و تسلی یابیم، خصوصاً در زمانهایی که در سختی و مصیبت گرفتار می شویم؟

۱۰ آذر

دوشنبه

زینت قدوسیت

مزمور باب ۹۶: ۹ می گوید، «خداوند را در زینت قدوسیت پرستید! ای تمامی زمین، از حضور وی بلرزید!» چگونه مفهوم «زینت قدوسیت» را می توانیم درک کنیم؟ این مطلب برای یک فرد مسیحی چه معنایی باید داشته باشد و چگونه بر تعلیم ما در خصوص علم و هنر و زیبایی که اغلب با آن مرتبط است تاثیر بگذارد؟

اگرچه گفته شده است که «زیبایی در نگاه چشمان بیننده است» [یعنی این بستگی به طریقه نگاه شما بستگی دارد که چه چیزی را زیبا و چه چیزی را نا زیبا ببینید]، مع الوصف نباید از یاد ببریم که در ابتدا چه کسی این چشم را آفرید (امثال ۲۰: ۱۲ را ببینید). با این حال، باید مراقب باشیم که خلقت را به جای خالق نپرستیم (به مطالب روز گذشته مراجع کنید)، از زیبایی های آفرینش می توانیم درباره خدا و در واقع در مورد عشق او به زیبایی و نیکویی بیاموزیم. اگر دنیای سقوط کرده در گناه هنوز اینقدر زیبا به نظر می رسد، چه کسی می تواند تصور کند که دنیا چقدر قبل از گناه زیباتر بوده است؟ و این به ما می آموزد که خداوند خالق زیبایی هاست.

مطالعه و بررسی علم و هنر می تواند و باید ما را به شناخت صفات و گُنه خداوند نزدیک کند. از آنجایی که ما خود بخشی از آثار هنری و پدیده های علمی خدا هستیم، می توانیم همچنین درباره هویت شخصی خود در عیسی مسیح بیشتر بدانیم.

«خدا از فرزندانش می خواهد تا از کارهای او قدردانی کنند و از زیبایی و سادگی که بواسطه آن خانه خاکی ما را زینت بخشیده است، مسرور و شاد باشند. او عاشق زیبایی است و فراتر از وجاهت ظاهری، زیبایی شخصیت را دوست دارد. او از ما میخواهد تا خلوص و بی آلایشی را همچون ظرافت گلهای خاموش در خود پرورش بدهیم» (الن جی وایت، گامهایی بسوی نور، صفحه ۸۵).

پیدایش باب ۳: ۶ را بخوانید. این آیه درباره اینکه زیبایی به تنهایی خوب و یا مقدس نیست، چه می گوید؟ (نگاه کنید به امثال ۶: ۲۵؛ ۳۱: ۳۰).

همانطور که خداوند همه چیز را آفریده است، ما دشمنی داریم که آنرا به هم ریخت و ضایع ساخت. پس نباید جای تعجب باشد که زیبایی و مفاهیم زیبایی بر علیه ما بکار گرفته شود. بنابراین، به ویژه در مورد هنر، آموزش مسیحی بر گرفته از کتاب مقدس، باید به ما در فهمیدن و درک اینکه همه زیباییها لزوماً نیکو و مقدس نیستند، کمک کند.

برخی از چیزهای «زیبا» که لزوماً مقدس و نیکو نیستند، کدامند؟ یا، بسته به شرایط، زیباییهایی که می توانند مبدل به بدیها و نامقدمات شوند، کدامند؟ ما برای تشخیص و تعیین این تفاوتها از چه معیارهایی می توانیم استفاده کنیم؟

۱۱ آذر

سه شنبه

متخصصان در خطا

می دانیم که جهان فراتر از هنر و فلسفه برخوردار است که نتواند خداوند را تجلیل کند. بسیاری معتقد هستند که مسیحیان حتی نباید وارد اینگونه قفسها شوند. ادونتیست های روز هفتم باید نسبت به مشاغل خود که در خدمت به پیشه های خاص، حمایت از موسسات خاص، و استفاده از رسانه خاص است، مراقب بوده و دقت نظر باشند.

در اول تیموتائوس باب ۶، به ما دستورالعمل روشنی داده شده مبنی بر اینکه از دنباله روی چه چیزهایی باید خوداری کنیم. بلکه، همچنین به ما توضیحات مفصلی در مورد آن داده میشود. پولس در اول تیموتائوس ۶: ۹، ۱۰، در مورد کدام حرفه ها هشدار می دهد؟

مابقی اول تیموتائوس باب ۶ را بخوانید. پولس از کدام چیزهای کلیدی حمایت می کند؟

به اول تیموتائوس ۶: ۲۰ توجه کنید که چگونه پولس بر علیه «آنچه که به غلط دانش نامیده میشود» هشدار می دهد. اگرچه او شرایط متفاوتی صحبت می کند، اما همچنان کاربرد دارد مبنی بر اینکه به تمامی اطلاعات، تمامی تعالیم، و تمامی عقاید بیندیشید، نه فقط به زمان فعلی بلکه به کل تاریخ بشریت، که بدون تردید اشتباه بوده اند. در واقع مردم می توانند متخصص خطاکاری باشند.

قریب به ۲۰۰۰ سال، با ذکاوت ترین افراد دنیا، و متخصصین، معتقد بودند که زمین در مرکز جهان ثابت و بی حرکت است، در حالی که همه ستارگان و سیارات آن در مدارهای کامل می چرخیدند. از برخی مسائل پیچیده ریاضیات و علوم برای تایید و

حمایت از این عقیده استفاده می‌شد، حتی اگر مشخص بود که تقریباً همه موارد اشتباه هستند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که این افراد متخصص در اشتباه بودند و مسلماً این آموزش، «دانش کذب» نامیده می‌شود.

برای مثال، امروزه علم زیست‌شناسی مبتنی بر این فرضیه است که حیات میلیاردها سال قبل آغاز شد که اتفاقی بوده و خداوند در آن دخالتی نداشته است. در عین حال، بر اساس این آموزه، میزان باورنکردنی از نوشتجات علمی، پیچیده، و مفصلی بوجود آمده است. از این مسئله درباره چگونگی در اشتباه بودن متخصصین، چه می‌توانیم بیاموزیم؟ چگونه این حقیقت می‌تواند آموزش مسیحی را بطور کلی و آموزه‌های علمی را بطور ویژه تحت تاثیر قرار دهد؟

۱۲ آذر

چهارشنبه

جهالت و حکمت

امثال باب ۱ را بخوانید. این آیات آموزش واقعی مسیحی چه چیزی به ما می‌آموزد؟

کتاب مقدس در خصوص جهالت و حکمت مقایسه‌ای تغییر ناپذیر دارد. کتاب امثال به خوبی به ما خطرات رفتار احمقانه و همنشینی با افراد نادان را یادآوری می‌کند. وجه تمایز واضح است: خداوند مشتاق است که مردمش در پی حکمت باشند، تا آنرا اندوخته و به فراوانی داشته باشد.

دانشجویان علم و هنر استعداد‌های خود را برای کسب دانش بکار می‌گیرند و در پی تعالی و رشد در مطالعات و بررسی‌های خود هستند. آموزگاران این رشته‌ها نیز کاری مشابه را انجام می‌دهند. ما به دلیل دانش و توانایی خود می‌توانیم در استعداد‌های هنری بدرخشیم و پیشرفتهای غیر منتظره علمی باشیم.

با این وجود از دیدگاه مسیحی، دانش علم و هنر در واقع چه معنایی می‌دهد چنانچه در شناخت فرق بین درست و غلط، نیکی و اهریمنی، حقیقت و خطا دخیل نباشد.

به عنوان مثال، تمام آنچه که باید انجام داد، اینست که کمی در مورد زندگی برخی از کسانی که بزرگترین هنرمندان و دانشمندان جهان به حساب می‌آیند، خواند تا دید، داشتن مهارت و استعداد‌های شگفت‌انگیز به معنای داشتن یک زندگی روحانی و نیکی نیست. همچنین می‌توان دلیل آورد که دانشمندان بزرگی در کار ساخت سلاح‌های بیولوژیکی یا شیمیایی برای کشتار جمعی شرکت داشته‌اند، شاید آنها بسیار تحصیل کرده و با استعداد باشند، اما ثمره کار آنها چیست؟ همانطور که قبلاً گفته شد، دانش به خودی خود، لزوماً چیز خوبی نیست.

امثال ۱: ۷ را بخوانید. چگونه این آیه نشان می دهد که کلید اصلی آموزش واقعی مسیحی چیست؟

یکی از برندگان جوایز نوبل، یک ملحد، مردی که جهان و نیروهای فیزیکی ماوراء آن را مطالعه و بررسی می کند، نوشته است: «هر چقدر جهان بیشتر قابل فهم شود، به همان اندازه بی اهمیت تر به نظر می رسد». این چه چیزی را به ما می گوید، اینکه دانش به خودی خود نه تنها می تواند مهممل باشد، بلکه حتی بدتر از آن می تواند منجر به خطایی فاحش و ناخوشایندی شود؟

۱۳ آذر

پنجشنبه

پروردگار پاسخ ایوب را می دهد

ایوب باب ۳۸ را بخوانید. این آیات درباره خداوند، نه تنها به عنوان خالق، بلکه به عنوان محافظ و نگهدارنده کل حیات، به ما چه می آموزند؟ این حقیقت مهم بر چگونگی درک ما از علم و هنر چه تاثیری می گذارند؟

بسیاری تعلیم می دهند که ماده دارای قدرت حیاتبخش است، که خواص ویژه ای را به آن ماده می دهد، و پس از آن از بین نمی رود و از طریق انرژی ذاتی خود عمل می کند؛ و اینکه اقدامات طبیعت مطابق با قوانین ثابت عملی و هدایت می شوند، که خداوند، خود نمی تواند در آن دخالت کند، این یک دانش نادرست و غلط است و بر اساس کلام خدا ماندگار نیست. طبیعت مخلوق و خادم خالق خود می باشد طبیعت بر وجود یک خالق هوشمند، حی و حاضر، و یک انرژی فعال شهادت می دهد، که در قوانین آن و از طریق آن قوانین در کار است و عمل می کند. در طبیعت حضور و کار مداوم پدر و پسر آشکار است. مسیح می فرماید: پدرم هنوز کار می کند و من هم کار می کنم (یوحنا ۵: ۱۷)» (الن جی وایت، انبیا و مشایخ، صفحه ۱۱۴).

متأسفانه، همانطور که قبلاً گفته شد، بسیاری از علوم براساس پیش فرضیات الحادی و مادی گرایی عمل می کنند. بنابراین، این بدان معناست که یک دانشمند می تواند به چیزی بیش از زیبایی، پیچیدگی، و حتی بیش از زیبایی و پیچیدگی هر دو در کنار هم، توجه کند، و با اینحال ادعا کند که همه چیز بطور اتفاقی و تصادفی بوجود آمده است، بدون هیچ اندیشه قبلی و یا نیت و قصدی در پس آن.

در حقیقت این همان چیزی است که علم در تمامی زمان مدعی آن است. اینگونه توضیح داده شده که حیات بر روی زمین، با تمام زیبایی و پیچیدگی آن، از پروانه ها تا انسانها، چیزی نیست جز مواد شیمیایی که میلیاردها سال پیش بصورت اتفاقی منجر به شکل گرفتن حیاتی ساده ای شده اند که از طریق جهش تصادفی و انتخاب طبیعی به چیزی تکامل یافت که زندگی می کند و حرکت می کند و امروز نفس می کشد.

علم، همانطور که الان شکل یافته، استدلال می کند که ایده یک خالق فراطبیعی «غیر علمی» است، از آنجایی که نمی توان آنرا بطور علمی آزمایش کرد، بنابراین، این مفهومی است که علم نمی تواند به آن بپردازد. این پیش فرضیه چیزی نیست که خود علم آنرا تعلیم دهد (در حقیقت، به نظر می رسد که علم مخالف اینرا آموزش می دهد: تمام زیبایی و پیچیدگی های جهان، حکایت و اشاره به یک خالق دارند) و برعکس، موضعی فلسفی توسط خود دانشمندان به رسته تحمیل گردیده است.

به هر حال، مشکل اینست که کتاب مقدس تعلیم می دهد که خدا نه تنها همه چیز را خلق کرده است، بلکه او حافظ و نگهدارنده آنهاست. این بدان معناست که هر تعلیم واقعی مسیحی در علم باید کاملاً متفاوت از فرضیات علمی و آنچه علم بطور کلی ادعا می کند، باشد. بناچار، در این میان تضادهایی خطور می کند به خصوص وقتی به سرچشمه و منشاء آن پرداخته می شود.

جمعه

۱۴ شهریور

تفکری فراتر: دو دلیل وجود دارد که چرا علم که در بسیاری از موارد استدلالهای درستی دارد در مورد منشا و مبدأ پیدایش دچار خطا و اشتباه می شود: نخست، علم، که جهان طبیعی را مورد مطالعه قرار می دهد، فقط باید پاسخ سؤالات خود را در دنیای طبیعی جستجو کند؛ دوم، علم فرض می کند که قوانین باید ثابت بمانند. با اینحال، هر دو وقتی به سرچشمه و مبدأ حیات می رسند دچار خطا می شوند.

اولین مورد را در نظر بگیرید، که برای وقایع طبیعی نیاز به دلایل طبیعی است. این برای ردیابی علت طوفان خوب است، اما این و خمیتر است اگر علل و منشاء آن بی اهمیت و بی ارزش تلقی شود «در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید» (پیدایش ۱: ۱). چه چیزی را علم می تواند در مواردی که ذات فرا طبیعی را انکار می کند، به ما بیاموزد که منشاء و ریشه های آن کاملاً فرا طبیعی بوده اند؟

و پایداری و ثبات طبیعت؟ به نظر می رسد که عقلانی است، در حالیکه، رومیان ۵: ۱۲ می گوید: «گناه به وسیله یک انسان وارد جهان شد و این گناه، مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت»، مفروض می دارد که فضا و شرایط محیطی مانند قبل ادامه نمی یابد، و از نظر کیفی متفاوت بوده و هیچ چیزی را شکل نمی دهد که اکنون علم با آن مقابله می کند.

دنیایی که مرگ در آن وجود نداشت بشدت از آنچه که امروز مطالعه کردیم متفاوت بود

و فرض بر اینکه آنها خیلی با هم مشابه بودند وقتی که چنین نیستند نیز می تواند به خطا منتهی شود.

از اینرو، علم به این دلیل اشتباه می کند که دو جنبه مهم آفرینش را انکار می کند: نیروهای فوق طبیعی در پس آن و عدم تجانس بنیادی فیزیکی بین خلقت اصلی [اولیه] با آنچه که در حال حاضر در برابر ماست.

سؤالاتی برای بحث

۱. در کلاس درس، در مورد مسئله زیبایی گفتگو کنید. زیبایی چیست؟ چگونه آنرا توصیف می کنید؟ چگونه ممکن است یک مسیحی زیبایی را متفاوت از یک غیر مسیحی تعریف و درک کند؟

۲. مسیح می توانست به عنوان یک دانشمند برجسته به این کره خاکی بیاید، تا پاسخی بزرگی برای بررسی پیشگامانه او باشد. او می توانست یک نوازنده موسیقی مشهور باشد. در عوض، او آمد تا به عنوان یک صنعتگر فروتن، تعلیم دهد. او در خلقت حضور داشت، اما او به عنوان یک فرد عامی تعلیم داد و خدمات خود را با تواضع به انجام رسانید. هر زمانی که در موقعیت تعلیمی و حرفه ای خود قرار می گیریم، چگونه این مسئله ما را ترغیب و تشویق می کند؟

۳. گرچه همه مسیحیان برای تعلیم در مدارس فراخوانده نمی شوند، اما مسیحیان می توانند همیشه با کلام و اعمالشان، چه از روی قصد و یا کاملاً ناآگاهانه به دیگران تعلیم دهند. به همین دلیل، چه عادت هایی را باید یک مسیحی، چه به عنوان شاگرد مسیح و یا به عنوان معلم دنیا، ترویج و پرورش دهد؟